

شاه؛ مجلس؛ مصدق

این نوشته، یک بررسی کوتاه حقوقی در مورد عزل دکتر مصدق است. در این نوشته، سعی شده تکرار مکررات نشود و به کسانی که مدعی اند عزل ایشان غیرقانونی بوده، پاسخی داده شود به دور از توهین و افترا، نیز این پاسخ ناظر بر دفاعیاتی باشد که شخص دکتر مصدق از خود و هوادارانشان از ایشان به عمل آورده‌اند.

لزوم پرداختن به این مسئله از این مهم ناشی میشود که جنجال بر سر این موضوع، به انشقاق و دوپارگی ناسیونالیسم در ایران منجر شده، به این صورت که حاضرین در این دو طیف (شاه - مصدق)، هریک برای اثبات میهن‌پرستی خویش، باید طرف مقابل را نفی کنند. به عبارت دیگر، برای ملی بودن، یا باید شاهی بود یا مصدقی.

لطفاً به تاریخ هایی که ذکر میکنم به دقت توجه کنید تا در دام بازیهای کلامی نیافتید:

- در ۱۱ و ۱۹ امرداد ۳۲ (۲ آگوست و ۱۰ آگوست ۱۹۵۳) به ترتیب در تهران و شهرستانها رفراندوم انحلال مجلس برگزار شد.

- در ۲۱ امرداد ۳۲، (۱۲ آگوست ۱۹۵۳) دکتر صدیقی، وزیر کشور و نایب دکتر مصدق، نتیجه آرا و رأی به انحلال مجلس را رسماً اعلام کرد و در جلسه هیئت وزیران به تصویب رسید.

- در ۲۲ امرداد ۳۲، (۱۳ آگوست ۱۹۵۳) مصدق از شاه میخواد که نتیجه رفراندوم (غیرقانونی) مبنی بر انحلال مجلس را تأیید و فرمان برگزاری انتخابات دور جدید را صادر کند (که شاه نمیپذیرد).

اعلامیه وزارت کشور درباره نتیجه رفراندوم

این اعلامیه دیروز از طرف وزارت کشور صادر شده است. در اجرای تصویب نامه شماره ۱۴۱۶۰ مورخ ۱۳۳۲۵۴ هیئت وزیران مربوط به مراجعہ بآراء عمومی درباره انحلال یا ابقاء مجلس هفدهم وزارت کشور با اطلاع هممیهنان محترم میرساند که نتیجه اخذ آراء همه نقاط کشور باستثنای دو بخش دشتیاری و پژمان بلوچستان باین وزارت اعلام گردیده است. چون در نقاط مذکور وسائل مخابرات موجود نیست وصول گزارش اخذ رأی در آن دو جا بمراکزی که واجد وسائل مخابرات باشند مدتی طول میکشد و آراء دو محل مذکور تأخیری در نتیجه امر ندارد. وزارت کشور باستناد تصمیمی که هیئت محترم وزیران در جلسه مورخ ۳۲۵۲۱ در این باب اتخاذ کرده اند اعلام میدارد که در مراجعہ بآراء عمومی در شهرستان تهران و سایر شهرستانهای کشور دو میلیون و چهار و چهار هزار و سیصد و نود و شش رأی اخذ شده است که دو میلیون و چهار و سه هزار و سیصد و هشتاد و نه رأی موافق با انحلال مجلس هفدهم هزار و دو صد و هفت رأی مخالف با انحلال مجلس هفدهم میباشد.

تصمیم قانونی دایر بابر از رأی اعتماد بدولت
جناب آقای دکتر محمد مصدق *

مجلس شورای ملی پس از طرح برنامه دولت جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر که متن آن ضمیمه است در جلسه هفتم امرداد ماه ۱۳۳۱ با ۶۸

* ۱ - در جلسه یکشنبه پنجم امرداد ماه ۱۳۳۱ هیئت دولت بشرح زیر معرفی شده اند :

نخست وزیر و وزیر دفاع ملی آقای دکتر محمد مصدق - آقای باقر کاظمی وزیر دارائی و نایب نخست وزیر - آقای دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور - آقای دکتر ابراهیم عالمی وزیر کز - آقای مهندس خلیل طالقانی وزیر کشاورزی - آقای عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری - آقای حسین نواب وزیر امور خارجه - آقای مهندس سیف الله معظمی وزیر پست و تلگراف - آقای مهندس داود رجبی وزیر راه - آقای دکتر علی اکبر اخوی وزیر اقتصاد ملی - آقای دکتر مهدی آذر وزیر فرهنگ - آقای دکتر صبار فرمانفرمایان کفیل وزارت بهداری - آقای سر لشکر وثوق سمت معاونت وزارت دفاع ملی .

۲ - در جلسه روز پنجشنبه ۱۶ امرداد ماه ۱۳۳۱ آقای دکتر مهندس داریوش سمت معاونت وزارت پست و تلگراف معرفی شده است .

۳ - در جلسه یکشنبه ۱۹ امرداد ماه ۱۳۳۱ آقای دکتر ملک اسمعیلی سمت معاونت وزارت دادگستری معرفی شده است .

۴ - در جلسه پنجشنبه ۲۳ امرداد ماه ۱۳۳۱ آقای دکتر محمد حسین علی آبادی سمت معاونت پارلمانی نخست وزیر معرفی شده است .

رأی از ۶۹ نفر عده حضار بدولت ایشان ابراز اعتماد نموده است .
این تصمیم در جلسه سه شنبه هفتم امرداد ماه یکزار و سیصد و سی و یک از طرف مجلس شورای ملی اتخاذ شده است .
نایب رئیس مجلس شورای ملی - احمد رضوی

- در ۲۳ امرداد ۳۲، (۱۴ آگوست ۱۹۵۳) شاه فرمان عزل مصدق و نصب زاهدی را صادر نمود.

- در ۲۴ امرداد ساعت ۲۳، (۱۵ آگوست ۱۹۵۳) سرهنگ نصیری، برای ابلاغ فرمان عزل دکتر مصدق به منزل ایشان مراجعه میکند و پس از ۲ ساعت معطلی، دکتر مصدق رسیدی به ساعت و تاریخ یک

بامداد ۲۵ امرداد (۱۶ آگوست ۱۹۵۳) صادر و آنرا " دست خط مبارک" نامیده و از ذکر عنوان نخست‌وزیر هم خودداری میکند. اما لحظاتی بعد نصیری و چند همراهش را بازداشت میکنند.*

- در ۲۵ امرداد ، (۱۶ آگوست ۱۹۵۳) دکتر مصدق ، انحلال مجلس را که مطابق اصل ۴۸ قانون اساسی فقط در صلاحیت شاه بود، اعلام میدارد.



* در ساعت ۲۳ شامگاه ۲۴ امرداد ۱۳۳۲، به هنگام برقراری حکومت نظامی و مقارن با پایان جلسه هیئت دولت در منزل مصدق، سرهنگ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی با ۲ نفربر و یک جیب از کاخ سعدآباد، راهی خانه مصدق میشود که فرمان عزلش را به وی ابلاغ کند. سرهنگ نصیری ۲ نفربر را در خیابان پاستور متوقف کرده، خود و ۴ محافظش راهی منزل مصدق در خیابان کاخ میشوند، جلوی درب خانه مصدق، دستخط فرمان عزل را به سرهنگ متین دفتری تحویل میدهد، بعد از ساعتی معطلی، مصدق رسید فرمان عزل را به ساعت و تاریخ ۱ بامداد ۲۵ امرداد ۱۳۳۲ صادر میکند و به نصیری میرساند.

اما لحظاتی بعد سرهنگ ممتاز به دستور سرلشگر ریاحی، سرهنگ نصیری را که حتی ملبس به لباس غیرنظامی بود به جرم قاصد بودن بازداشت میکند.

این همه آن چیزی است که مصدق و پیروانش، آنرا ابلاغ فرمان عزل با توپ و تانک میخوانند.

تصویر سرهنگ نصیری در بازداشت - شب ۲۵ امرداد ۱۳۳۲ (تصویر برگرفته از کتاب "مصدق به بیان تصویر" تألیف جلیل بزرگمهر - وکیل مدافع مصدق است)



بعد از ظهر روز پنجشنبه نخست وزیر تقاضای صدور

فرمان شروع انتخابات را نموده است

متن تقاضای صدور فرمان انتخابات

نخست وزیر بوزارت کشور دستور داد شوراهاى ده زودتر تشکیل شود تا هنگام انتخابات وظیفه انجمنهای فرعی را انجام بدهند پس از آنکه نتیجه «رفراندوم» معلوم گردید و وزارت کشور رسماً موضوع را بنخست وزیر گزارش داد، از طرف دکتر مصدق شرح زیر بعد از ظهر روز پنجشنبه تهیه و تسلیم کفیل دربار گردید تا هر چه زودتر طبق تشریفات قانونی فرمان هیجدهمین دوره قانونگذاری صادر شود.

بقیه در صفحه ۷

بعد از ظهر روز پنجشنبه نخست وزیر تقاضای

بقیه از صفحه اول

اینک متن درخواست نخست وزیر

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

«چون در نتیجه مراجعه بآراء عمومی در تاریخ دوازدهم و نوزدهم مرداد ماه (۱۳۳۲) ملت ایران بانحلال دوره هفدهم مجلس شورای ملی رأی داده است از پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعا میشود امر و مقرر فرمایند فرمان انتخابات دوره هجدهم صادر شود تا دولت مقدمات انتخابات را فراهم نماید.»

نخست وزیر تقاضای صدور فرمان انتخابات دور ۱۸ را از شاه نمود

دومین جلسه مذاکرات هیئت نمایندگی ایران و شورای اموز سه ساعت و نیم بطول انجامید
مذاکرات جلسه امروز درسی و شش صفحه بزرگ یادداشت گردید و جلسه
آینده روز دوشنبه تشکیل می شود.

دستور جلسات آینده امروز معلوم شد و توافق گردید که هیچگونه اطلاع رسمی بمطبوعات داده نشود
کلمه «و غیره» که در اعلامیه مشترک ذکر شده است شامل چه مسائلی است؟

وزارت امور خارجه بنیامین میامی خود در سازمان ملل متحد امروز تفرافی دستور داد:
در مورد عزل سلطان مرگش بوسیله فرانسویان استعمار طلب شدیداً با سازمان ملل متحد اعتراض
نمایند - مستشاران جدید آلمان غربی امروز وارد تهران شد تا مسافرت آلمان را افتتاح کند
دکتر اردلان بنیامین میامی ایران در جلسه فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت می کند

با احترام امروز

شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ - ۴ ذیحجه ۱۳۳۲ - ۱۵ اوت ۱۹۵۳ - شماره ۱۱۷۱

ملت ایران هرگز از هدف اصلی خود
روگردان نمیشود

دروغ دکترا مومن در سنی که از اردو
تهران ایراد نمود ، از ملت فرمانروایان
ایران بنامیت خانه پر و فراموشی که
صوم طبقات ملت در آن حرکت جستجو
یا انحلال مجلس هفده که بهوت کانون
و توطئه و دودیسیم علیه جان سیاسی
و استقلال ایران در آینه بود و افکار
دومست پارلمان ، پلنگه گوی سیاست
لین نظامی راز خوانست اردان بر تالی
پوری نکرد ، رای دادند شکر نمود
تقریرت مومن در دین و فرمانروایان
برو که پادشاه ملت ایران سیاست حکومت
خود را ، با سیاست ملی و وطنی بنامیت
و اراده نبخت شخص خود استعاری را
خواستار است و پایتخت نظریات مخالفین
اگشت شیار حکومت را مهابت تبخیر
می دهد

او سرد گفت بیاید و بسازای خود
دو کرد دولت و مجلس خفاوت کینه آگرس
دولت و طایف و سیاست را با صبح
میشاید لپرا ینای مجلس هفده رای
بجهد و اگر حکومت باید عدم تکواری
خود را ادامه بدهد و سیاست او طبق
تایلات عامه میباید متفکر اصلاح این
مجلس را امضا کینه تا مجلس دیگری
باید گاش با ملت ایران همکار بوده است
باشند تشکیل شود و نهال نبخت ملسم
را بشیر رساند

پیش از دو میلیون نفر از مردم ایران
پندای نخست وزیر جواب نیست دادند برای
تغییر باره که امر مهم و حیاتی ، یعنی
مجمع برای اردین سیاست این نوم



دکتر مصدق دریام دیروز خود به ملت ایران گفت:

مردم آزاده جهان پس از آنهمه مصائبی که
در جنگ اخیر بر اثر اشتباهات سیاستمداران خود دیده اند دیگر حاضر
نخواهند شد بهوت نظیر همانگونه اشتباهات را تحمل کنند .
اتحاد کلمه و اتفاق همی افراد ملت مشکلات
را حل خواهد کرد . باید ریشه فقر و بیعدالتی
های اجتماعی را از زمین و وطن خود براندازیم و با ساز ملل
آزاد جهان در راه حلقه صلح همدوش شده و نظام خود را انجام دهیم.



« دو ساعت به از ظهر دیروز دکتر مصدق بنامیت پایان فرامع ملق
دیروز خطاب ملت ایران از اردو تهران ایراد نمود ،
هوستان حزب ، بنامیت خانه هر
دیروز در ملاقاتی ترا و بانات و استقامتی
که در ادای این وظیفه ملی از خود تلقان
داده اید سیاست گرای ملی خود را بنامیت

امیر فیروز کلالی بسمت امیر الحاج منصوب شد
امیر فیروز کلالی نماینده سابق مجلس و وزیر سابق کشور از طرف نخست وزیر
بسمت امیر الحاج منصوب و امیر مریوط بجماعت زیر نظر ایشان قرار خواهد گرفت .

پس از صدور فرمان انتخابات دور هجدهم چگونه آغاز میشود ؟

آینال کمانی از امضای «عهدنامه» و پنهانای اقلیت خودداری کرد.
شکاف عمیقی در صف مخالفین دولت ایجاد شد
حائری زاده شدیداً از اعمال دکتر بقائی انتقاد کرد و گفت
او کارهایی کرده و می کند که ما بگی از آن بی خبریم
حائری زاده اظهار داشت از استیضاح علی زهری بگویی اطلاع بوده است
دکتر بقائی در نظر دارند از دیوانعالی کشور نسبت بقانونی
یا غیر قانونی بولتن فراندوم استعلام کند

حائری زاده شدیداً استعلام از دیوانعالی کشور انتیج کرد و نسبت بعمل دکتر بقائی اعتراض نمود
شکافی که امروز در صف مخالفین ایجاد شد تا او وسط هفته آنها را بگویی متلاشی میکند
را پیش آورد که دکتر مصدق برخلاف
نظریات مخالفین و حتی حتی از کمانی
که نمیتوان با آنها مخالف گفت و گو کرد
ایشور بطوسی بنامیت شد که دکتر مصدق
دوره هجدهم را آغاز کند . پیروز ص ۲

پس از ظهر روز پنجم نخست وزیر تقاضای صدور فرمان شروع انتخابات را نموده است

نخست وزیر بوزارت کشور دستور داد شورا های ده زودتر تشکیل
شود تا هنگام انتخابات وظیفه اجتمه های فرعی را انجام بدهند
پس از آنکه نتیجه و فراندوم معلوم گردید و وزارت کشور رسماً موضوع
را بنخست وزیر گزارش داد ، از طرف دکتر مصدق شرح زیر به از ظهر روز پنجم
تهیه و تسلیم کول دیوار گردید تا هر چه زودتر طبق تشریفات قانونی فرمان هجدهمین

پاسخ این است که چگونه آقای دکتر مصدق استعفای به فرموده قوام‌السلطنه و نصب خودش بعد از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ (۲۱ جولای ۱۹۵۲) که بدون رأی تمایل مجلس و در حضور مجلس صورت گرفت، از نظرشان نافذ بوده ولی عزل نخست‌وزیر (مصدق) در زمانی که مجلس امکان برگزاری جلسه علنی نداشته نافذ نیست؟

گفتنی است دولت مصدق هشت روز بعد از انتصاب مجدد وی از جانب شاه در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ (۲۱ جولای ۱۹۵۲) در روز ۷ مرداد ۱۳۳۱ (۲۹ جولای ۱۹۵۲) از مجلس رأی اعتماد گرفت.^۲

بنابراین مشخص است، نه تنها شاه در غیاب مجلس بلکه در حضور مجلس هم امکان عزل و نصب داشته و تنها موافقت و مخالفت مجلس وقت با آن عزل و نصب، میزان و معیار سنجش قانونی یا غیرقانونی بودن آن فرمان است.

۲- در این شرایط، مسئله دو صورت پیدا میکند:

الف) اگر مطابق با اعتراف دکتر مصدق، بپذیریم که مجلس وجود داشته؛

این آقای دکتر مصدق است که با درخواست از نمایندگان مجلس به استعفا، باعث شد ۵۷ نفر از نمایندگان حامی ایشان از مجلس استعفا بدهند و در نتیجه مجلس باقیمانده، همه مخالفین او بوده و تمایلی به او نداشته و اتفاقاً تمایل به زاهدی داشته باشند که در همان مجلس تحصن کرده و امان گرفته بود.

سخنان کاشانی در پذیرایی از زاهدی، به هنگام تحصن در مجلس:

"شما مهمان مجلس می‌باشید و به‌علاوه مورد احترام همه آقایان بوده و هستید و از مزاحمت‌هایی که تا کنون برای شما ایجاد شده متاسفم چون من خدمات شما را به نهضت ملی ایران فراموش نکرده‌ام و امیدوارم بتوانید به خدمات بیشتری نائل شوید. اینجا هم خانه ملت است و شما می‌توانید تا هر وقت که بخواهید باشید"

گفتنی است که نمایندگان باقیمانده، کاشانی را به ریاست مجلس، افشار صادقی را به عنوان نایب رئیس و میراشرفی و حمیدیه را به عنوان کارپرداز انتخاب کرده بودند.

آقای دکتر مصدق که واکنشش به استیضاح مجلس، انحلال آن و تهدید نمایندگان به استعفا بوده، و نمایندگان غیرمستعفی، نه تنها تمایلی به ایشان نداشتند بلکه تمایل به زاهدی داشتند، نمیتوانند فرمان شاه به زاهدی را خلاف قانون اساسی جلوه دهند. چون مطابق سنت مشروطه، انتخاب نخست وزیر با تمایل مجلس است، که این تمایل در مورد زاهدی صادق بوده.

یعنی از لحاظ حقوقی، دکتر مصدق، خود در دامی که برای نجات دولتش از استیضاح مجلس گسترده بود، گرفتار شد. (با مجبور کردن نمایندگان هوادار خودش به استعفا).

چنانچه مجلس، مخالف فرمان عزل و نصب پادشاه بود، میتواندست و این اختیار را داشت که آقای دکتر مصدق را ابقا کند و عزل ایشان را از سوی پادشاه رد کند. مانند موردی که احمد شاه، «سردار سپه» را

^۲ - از کتاب مجموعه قوانین و مصوبات موضوعه دوره هفتم قانونگذاری

از نخست وزیری عزل کرد و مجلس قبول نکرد و همین آقای دکتر مصدق و بقیه نمایندگان، برای برگرداندن «سردار سپه» که به حالت قهر به بومهن رفته بود به آنجا رفته و وی را به مقر نخست‌وزیری در سعدآباد برگرداندند. و احمدشاه هم پذیرفت و دیگر مخالفتی نکرد.

مصدق اگر واقعاً میخواست به شیوه قانونی در مقابل فرمان شاه مقاومت کند، میتوانست با درخواست از ۵۷ نماینده مستعفی (که هنوز استعفایشان در صحن علنی مجلس خوانده نشده و ۱۵ روز از آن نگذشته بود لذا مطابق ماده ۱۹۷ آئین نامه مجلس شورای ملی، استعفایشان رسمی نشده بود) به بازگشت به مجلس و اعلام رأی اعتماد به دولتش، تصمیم شاه را باطل کنند. اما مصدق با آن رفتار دوم غیرقانونی عملاً خود را خلع سلاح و **آچمز** کرده بود.

نتیجه اینکه، در هر نظام قانونی، نهاد یا نهادهای خاصی، مسئول رسیدگی و برخورد با تخلف از قوانین عادی و اساسی همان مملکت هستند. در مورد عزل نخست‌وزیر نیز یگانه مرجع صلاحیت‌دار و صاحب اختیار در برخورد با تخطی از قانون اساسی، مجلس شورای ملی بوده و این امر در صلاحیت این و آن صاحب نظر و حقوقدان موافق یا مخالف نیست که بخواهند قضاوت کنند.

در جایی که قانون، حدود اختیار و وظایف هر کسی را معین کرده، مادامی که آن قانون نسخ نشده، نظر و میل اشخاص حقیقی و حقوقی نمیتواند ملاک سنجش درست و غلط بودن یک فرایند حقوقی قرار گیرد. در مورد فوق نیز، اگر مجلس شورای ملی، فرمان عزل مصدق را مخالف قانون اساسی تشخیص میداد، نه شاه و نه مصدق، حق تخطی از نظر مجلس را نداشتند. از اینرو، عدم مخالفت نهاد نظارتی صالح، معادل است با قانونی بودن این فرمان عزل.

ب) اگر انحلال مجلس به وسیله رفتار دوم را بپذیریم؛

آنگاه باز هم بنا بر سنت مشروطه، مانند دوره ای که در نبود مجلس، احمد شاه در دوره‌ای کوتاه ۱۴ بار فرمان عزل و نصب برای ۱۲ نفر (که همگی استعفای صوری و به فرموده میدادند) صادر کرد و کسی هم عارض نشد، عزل مصدق باز هم مطابق سنت و عرف مشروطه بوده. این همان تذکری است که آقای دکتر صدیقی پیش از به رفتار دوم گذاشتن انحلال مجلس به دکتر مصدق میدهد و میگوید: "اگر پس از انحلال مجلس، شاه نخست وزیر دیگری انتخاب کند چه میکنید؟" مصدق پاسخ میدهد: "شاه جرأت نمیکند" ^۳ و **نمیگوید شاه مطابق قانون اساسی حق چنین کاری را ندارد.** این همان علتی است که دکتر مصدق فرمان عزل خود را از اکثر اعضای کابینه و همه ملت ایران پنهان میدارد. چون وی بهتر از هرکسی در جریان ساز و کار مشروطیت بوده.

دو مورد از اظهارات آقای دکتر صدیقی (وزیر کشور و نایب دکتر مصدق) در این زمینه، کاملاً گویای شرایط عزل مصدق است:

"از دستخط اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به هیچ وجه اطلاع نداشتیم و در هیات دولت هم دستخط اعلیحضرت همایونی مطرح نشد" ^۴

^۳ - مجله فصل کتاب، صدیقی، دکتر غلامحسین، در باره انحلال مجلس و رفتار دوم، لندن، سال ۱۳۷۰، ص ۳۱۲

^۴ - صدیقی، دکتر غلامحسین، اظهارات در کتاب "مصدق در محکمه نظامی"، بزرگمهر، جلیل، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۳، جلد دوم، صص ۶۲۹ و ۶۳۰.

"من با رفراندومی که دولت برای انحلال مجلس انجام دهد، انحلالی که با نقایص قانون اساسی و به حکم سوابق در تاریخ مشروطیت خواه ناخواه همگام نبودن مجلس عملاً، به حق یا ناحق، به شاه در عزل و نصب نخست وزیر، بنا بر میل شخصی یا ضرورت واقعی، ناچار، امکان عمل می داد، مخالف بودم." °

در نتیجه، در یک نظام مشروطه پارلمانی که مجلسین بالاترین رکن در قانونگذاری، عزل و نصب نخست وزیر و حراست از قانون اساسی هستند؛ چنانچه شاه یا نخست وزیر و یا هرکس دیگر، تخطی از قانون انجام دهند، اختیار کامل در جلوگیری از تخلف و بازگرداندن امور به مسیر قانون دارند.

بنابراین تا رأی مخالف مجلس در مقابل فرمان عزل و نصب نخست وزیر از سوی پادشاه نباشد، هرگز نمیتوان فرمان شاه را غیرقانونی خواند. تشخیص قانونی و یا غیرقانونی بودن فرمان شاه، فقط در صلاحیت مجلس شورای ملی وقت بوده و منوط به نظر هیچ فرد یا گروه دیگری نمیتواند باشد.

در مورد اصل برگزاری رفراندوم هم باید گفت که رفراندوم (غیر از همه پرسی برای تغییر رژیم) تنها در مورد موضوع - سیاستی برگزار میشود که یا در قوانین اساسی و عادی کشور، پیش بینی نشده و قابل بررسی نیست و یا قانون گذاری ممکن است به زیان اکثریت جامعه باشد.

در حالی که انحلال مجلس، موضوع اصل ۴۸ قانون اساسی مشروطه بود و دولت میتواند با درخواست از شاه، فرمان انحلال مجلس را بگیرد، متوسل شدن به رفراندوم، **هم غیر عقلی و هم غیرقانونی بوده**، چرا که نخست وزیر منتخب پارلمان، این اختیار را نداشته که مجلس را منحل کند و مجلس که جزء و رکن مشروطیت است، طبق اصل هفتم متمم قانون اساسی، تعطیل بردار نیست مگر به شیوه ای که قانون معین میکند.

با این دانسته ها کاملاً روشن است که مقایسه «رفراندوم برای انقلاب سفید» با «رفراندوم برای انحلال مجلس» که بعضاً به آن متوسل میشوند، کاملاً بی معنی و مع الفارق است. چه آنکه اولی به منظور تسریع آبادانی و گسترش مدنیت و مدرنیته بوده و خلاف قانون اساسی نیز نبوده، در حالی که دومی به معنی تعطیلی (قوه مقننه) مهمترین رکن مشروطیت و سمبل اراده و نظارت ملت به دست قوه مجریه ای بوده که پیشتر مجلس سنا را رسماً و قوه قضائیه را عملاً (با بازنشسته کردن قضات دیوان عالی کشور و انتخاب قضاتی جدید به انتخاب وزیر دادگستری) تعطیل کرده بود. در نتیجه، رفراندوم انقلاب سفید، هرگز توجیه کننده قانونی بودن رفراندوم برای انحلال مجلس نمیتواند باشد. چون نفس رفراندوم خطا نیست بلکه موضوع آن است که نباید خلاف قوانین اساسی مملکت باشد.

و سرانجام این سخن دکتر مصدق:

«ولی راجع به عزل نخست وزیر، هیچ مملکتی نیست که مشروطه باشد و پادشاه بتواند نخست وزیر را عزل کند.»

بله هیچ مملکتی نیست که مشروطه باشد و نخست وزیر بتواند قوای مقننه و قضائیه را بر خلاف قانون منحل کند، فرماندهی قوای نظامی و انتظامی را هم عهده دار باشد و قانون اساسی را زیر پا بگذارد، فرمان پادشاهی که مطابق سوگندش پاسدار و امانتدار همان قانون اساسی است، را پنهان کند، به هیچ نهادی پاسخگو نباشد و تمام مخالفانش را عامل اجنبی معرفی، زندانی و متواری کرده، و خود را نماد دمکراسی و قانونگرایی و شهید آن نیز معرفی کند.

در نظامهای پارلمانی؛ چه پادشاهی و چه جمهوری، این دولت نیست که حکومت می‌کند بلکه دولت تنها مجری تصمیمات نمایندگان ملت در مجلسین است و ملت تنها از طریق پارلمان، حاکمیت خود را اعمال میکنند. بنابراین، سخن دکتر مصدق مبنی بر اینکه "شاه باید سلطنت کند نه حکومت"، متوجه دولت ایشان نیز هست به این معنی که؛ دولت باید اجرا کند نه حکومت. دولت فقط مجری است و نه حاکم.

چند سند در همین زمینه:

برگ پسین را نگاه کنید....

- مصدق در حالی که برای فرمان عزلش رسید صادر کرده بود، اما فردای آنروز، دستور بازداشت نخست وزیر قانونی (زاهدی) را هم صادر کرد:

۲۵
شعبه
نصف
عدد
بزرگ
مربوط
۱۳۲۲
مربوط
بزرگ



نخست وزیر

تاریخ ۲۶/۵/۲۹

شماره ۱۷۲۰۹

پیوست

ستاد آرنشتر

مفهی است با مرمین مربوط اکیدا دستورالعملها باید
مراحت را حمل آورند که از فرار سر لشکرزاهدی جلوگیری
نمود . چنانچه تسامحی در این باب بعمل آید موجب
مسئولیت شدت خواهد بود . نخست وزیر

دکتر

- مصدق در نامه‌ای به هژیر (وزیر دربار) با تأکید بر اینکه در دوران فترت، حق انتخاب نخست‌وزیر با پادشاه است، اصرار ورزیده که شاه باید دولتی روی کار بیاورد:

نامه دکتر مصدق به هژیر

جناب آقای هژیر وزیر دربار سلطنتی [۱]

اوامر شاهانه مندرج در نامه شماره ۷۸۱۹ آن جناب به این جانب رسید و به آقایان متحصنین ابلاغ گردید. هیئت متحصن نسبت بانتخابات تهران بالاخص نظری ندارند و می دانند که مرجع شکایت بعد از خاتمه انتخابات مجلس شورای ملی است. ولی البته پادشاه منشاء عموم اصلاحات می باشند و غرض عمده از تحسن این بود که در این دوره فترت که تعیین نخست وزیر محتاج به تمایل مجلس نیست دولتی روی کار بیاورند که وجهه نظر خود را فقط حفظ مصالح سلطنت و ملت قرار دهد و در عصر چنین پادشاهی مملکت صاحب مجلسی شود که به اصلاحات اساسی قادر باشد و از فقر و بیچارگی مردم بکاهد و کشور را قرین آسایش و رفاهیت نماید. اگر فقر و بیچارگی مردم نتیجه اعمال هیئت های حاکمه نیست خوب است آن جناب بفرمایند علت بدبختی های این جامعه چیست؟ اکنون که درخواست ما مورد توجه و عطف و شاهانه قرار نگرفت به تحسن خاتمه می دهیم و سعادت مملکت را همیشه خواهانیم.

دکتر محمد مصدق

- مصدق و فاطمی که به قانونی بودن عزل مصدق و نصب زاهدی واقف بودند، سعی میکنند با پنهان کردن فرمان عزل مصدق و انکار فرمان نصب زاهدی به نخست وزیر، افکار عمومی را منحرف کنند. به همین خاطر است که فاطمی به عنوان وزیر خارجه و سخنگوی دولت، علناً صدور فرمان نخست وزیر به نام سرلشگر زاهدی را تکذیب میکنند.

این سند و چنین عملکردی، اثبات مهمی است که مصدق بر قانونی بودن عزلش وقوف کامل داشته. روزنامه باختر امروز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲، صفحه آخر:

فرمان نخست وزیر سر لشکر زاهدی تکذیب شد

امروز هواپیمای حامل شاه فراری بغداد را بمقصد لندن ترک گفت
دکتر فاطمی وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت در جلسه مصاحبه مطبوعاتی

امروز خود این اطلاعات را در اختیار خبرنگاران گذازد :

جلسه هیئت دولت ساعت شش و نیم بعد از ظهر دیروز در منزل نخست وزیر تشکیل گردید در این جلسه آقای صهبا رئیس هیئت نمایندگان ایران در کمیسیون مختلط تصفیه اموال شرکت سابق شیلات ایران نیز شرکت و توضیحاتی درباره کارهای خود به هیئت دولت دادند .

چند لایحه قانونی نیز که رسیده بود مورد مشاوره قرار گرفت از جمله لایحه قانونی درباره وضع معاینه دانشگاه تبریز و دانشکده های پزشکی شهرستانها مطرح و مورد تأیید قرار گرفت .

همچنین آئین نامه وسائط بیه موتوری مطرح و مورد موافقت قرار گرفت .
۲- گزارش رسمی واصله از بغداد حاکی است که دیروز در شهر بغداد تظاهراتی علیه شاه فراری صورت گرفت .

تظاهرات شدید بود و چند نفر از تظاهرکنندگان نیز دستگیر شدند امروز ساعت هفت با بمداد شاه فراری و نریا بوسیله هوا پیمای شرکت انگلیسی B.O.A.C از فرودگاه بغداد پرواز کردند و بطوریکه خبرگزاری رویتر اطلاع داده است مقصد هواپیمای لندن میباشد .

۳- موضوع رژیم جمهوری الان مورد بحث دولت نیست .

۴- دولت مشغول مطالعه است که تصمیمی درباره فرار شاه بگیرد .

در این موقع یکی از خبرنگاران پرسید: میگویند سر لشکر زاهدی مدعی است که در تاریخ ۲۲ فرمائی از طرف شاه فراری با و داده شد در این باره چه میفرمائید .

دکتر فاطمی در پاسخ گفت اگر چنین مطلبی صحت داشته باشد چطور بوده است روزهای ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ مرداد ماه این ورقه ادعائی ابراز نشده و صبح روز بیست چهارم کفیل دربار بان نخست وزیر ملاقات و نامه ای را که آقای دکتر مصدق بعنوان شاه نوشته بودند توسط ایشان بکلاردشت فرستاده است

بعلاوه ساعت دو بعد از ظهر روز بیست و چهارم اینجانب بعنوان سخنگوی دولت با آقایان خبرنگاران مصاحبه داشتم ممکن است بعد از عقیم ماندن توطئه کودتا خود شاه فراری با عوامل کودتای او هر مطلبی را عنوان نمایند ولی حقیقت را که میلیون ها مردم ایران شاهد آن بوده اند نمیتوان مخفی نگاه داشت

دو ساعت و نیم بعد از ظهر پس از اینکه دکتر فاطمی بسایر سئوالات خبرنگاران پاسخ دادند جلسه مصاحبه مطبوعاتی امروز ایشان خاتمه یافت

م. ر. رضا امرداد ماه ۲۵۷۲ (۲۵۵۲ از سینندر کوروش = ۲۰۱۳)

نوشته پیش رو، اسفند سال گذشته در بلاگی بنام خود دکتر م.ر. رضا منشر شده بود که اینک به مناسبت سالگرد این واقعه، مورد بازبینی و انتشار دوباره قرار گرفته.